

## چرا تقلید کنیم ؟

بسیاری از افراد هنگامیکه یکی از مراجع بزرگ دینی از جهان برود این سؤال را از خود یاد دیگران میکنند که : اساساً منظور از «تقلید» چیست ؟ و چرا ما باید «تقلید» کنیم ؟ در اینجا این مسأله را از جنبه «علمی» (که مطابق روش اینمجله است) مورد بحث قرار داده و علت لزوم تقلید را در مسائل دینی روشن می‌سازیم :



انسان هنگامیکه چشم باینجهان می‌گشاید؛ جاهل است یعنی چیزی بلد نیست ، ناچار باید از تجارب دیگران استفاده کند و از اندوخته‌های علمی افراد دیگر بهره‌مند شود زیرا پیمودن راه پر پیچ‌وخم زندگی در هر قدمی به «علم و دانش» شدیداً محتاج است .  
اساساً سازمان زندگی روی دو پایه محکم، اساسی استوار است و آزاد پایه عبارت است از: دانستن و بکار بستن ، و بکار بستن نیز بدانستن نیازمند است روی همین اصل نخستین قدم زندگی از دانستن شروع می‌شود .

اینجا است که یکی از فراموشانسان ویرا امداد میکند و راه و رسم زندگی و کمال و سعادت را بر وی او بازمی‌کند و آن غریزه «تقلید» است همه می‌دانیم که کودک در اثر همین غریزه یعنی تقلید کم‌کم حرف زدن و آداب نشست و برخاست را از پدر و مادر یاد گرفته ، مرحله‌ای از مراحل زندگی را طی میکند و هر چه بزرگ‌تر می‌شود بفر گرفتن علوم و افکار دیگران و پیروی از آنان توجه بیشتری بذل میکند؛ رفته رفته با موجودات این عالم آشنا میشود و وظائف خود پی می‌برد ؛ رفتار و گفته‌ها را از افراد را سرمشق خود قرار می‌دهد .

ولی بیک نکته اساسی در اینجا لازم است توجه شود آن اینست که تقلید یعنی پیروی از افکار و روش دیگران به طور کلی صحیح نیست . بلکه تقلید دارای اقسامی است :

۱ تقلید جاهل از جاهل . ناگفته پیداست که این قسم از تقلید علاوه بر اینکه انسان را در زندگی سعادتمند نمی‌کند او را بسقوط و بدبختی می‌کشاند ولی متأسفانه در اجتماع ما بعضی از افراد کور کورانه از اخلاق و روش ملل غرب تقلید میکنند اینها علاوه بر اینکه در تشریفات زندگی از قبیل لباس پوشیدن و غذا خوردن و نامگذاری فرزند ... تقلید می‌کنند

در اشاعه منکرات، در طرز عقیده و اخلاق نیز تحت عنوان «مد»، «تمدن»، «کود کورانه از آنها تقلید می کنند با اینکه مفاسد این نوع از تقلید معلوم و روشن است و همین نوع تقلید است که در باره آن گفته اند :

خلق را تقلیدشان برباد داد ای دوصا لعنت بر این تقلید باد

در قرآن کریم نیز آیاتی در مذمت این نوع تقلید وارد است از جمله اینکه بت پرستان در برابر اعتراض پیمبران خدا می گفتند «انا وجدنا آباءنا علی امة وانا علی آثارهم مقتدون» (آیه ۲۳ سوره زخرف) یعنی ما نیاکان خود را بر این روش یافتیم و از آنها پیروی میکنیم، قرآن به مدت این منطوق را تقبیح کرده و آنها را سرزنش می کند .

**۲- تقلید عالم از جاهل** . روشن است که این قسم از تقلید نیز درست نیست و عالم باید طبق علم و دانش خود قدم بردارد تا پسر منزل سعادت برسد و این زشت ترین انواع تقلید است که شخص دانایی در زندگی از معلومات خود استفاده نکند و کور کورانه دنباله دیگران برود .

**۳- تقلید عالم از عالم** . عالم در آن رشته ای که متخصص و صاحب نظر است باید از همپایه خود تقلید نکند و بنظر خود عمل کند و لذا قضا میگوید کسی که به مرتبه اجتهاد رسیده است باید بنظر و رأی خود عمل کند روی همین جهت در اجازه اجتهادها معمولاً مینویسند «بحرم علیه التقلید» یعنی تقلید کردن بروی حرام است و باید طبق نظر خود عمل کند و البته این منافات ندارد که در مسائل علمی با دانشمندان دیگر مشورت و تبادل نظر کند ، بلکه منظور این است که دانشمند در اتخاذ تصمیم باید استقلال فکر خود را حفظ کند ، و بی مطالعه تسلیم نظریات دیگران نشود .

**۴- تقلید جاهل از عالم** . این قسم تقلید را منطبق صحیح عقل و فطرت روشن ایجاب و اقتضا میکند بر اثر همین منطوق و فطرت است که مادر ساختن ساختمان بسراغ معمار و بنا و در دوختن لباس بسراغ خیاط و هنگام مرض نبال طبیب میرویم؛ خلاصه عقل و فطرت ما را در هر رشته ای بکارشناس و متخصص آن رشته ارجاع میکند .

۵- بین منطوق و فطرت در تعلیمات دینی و قوانین الهی ما را بتقلید از فقهاء که در رشته فقه مهارت دارند وادار میکنند ؛ فقهائی که در سالیان دراز بااستعداد سرشار و موفقیت های بسیار در راه علم و دانش قدم های برجسته ای برداشته تا بمقام شامخ اجتهاد رسیده اند یعنی قوانین الهی را میتوانند از مدارک اصلی آن استخراج و استنباط کرده در دسترس مردم بگذارند فقهائی که رهبران و راهنمایان دینی مردم میباشدند و از طرف پیشوایان بزرگ اسلام این منصب بزرگ با آنها اهدا شده است ، تا افراد را در تمام شئون دینی براه سعادت رهبری کنند .

در اینجا از این نکته نباید غفلت کرد که علوم بشری دارای رشته‌های متعددی است ، و ممکن است یک فردی در عین حال که در یک رشته‌ای فوق‌العاده ماهر و متخصص است از رشته‌های دیگر اصلاً و ابداً اطلاعی نداشته باشد و لذا باید در آن رشته‌ای که وارد نیست به متخصصین و کارشناسان رجوع کند و از گفته‌آنها پیروی کند .

مثلاً یک نفر دکتر یا مهندس که در رشته خود کمال مهارت را داراست ، وارد شهری می‌شود و می‌خواهد بگوید که در یکی از خیابانهای شهر وقع است برود و کوچی را مورد نظر را اصلاً بلد نیست ولی آدرس آنرا قبلاً با او داده اند ناچار باید از اشخاصی که وارد هستند پرسد تا بمقصد برسد یا مثلاً شخصی که در علوم فضائی متخصص است مریض می‌شود ناچار باید بطیب متخصص در امراض بدن رجوع کند ، گرچه این فرد در علوم فضائی متخصص است ولی با امراض بدن و طرز معالجه آنها آشنا نیست ، ناگزیر بطیب مراجعه می‌کند و طبیب دستور میدهد که چند عدد از فلان قرص باید خورد و فلان آمپول باید تزریق شود ، متخصص علوم فضائی بدون چون و چرا از گفته طبیب پیروی میکند و هیچگاه از او دلیل نمی‌خواهد .

باذا نظر گرفتن این دو مثال روشن میشود که چرا بایست همه مردم از گفته مجتهدین پیروی کنند گرچه در علوم دیگر متخصص باشند زیرا یک نفر فقیه هم در رشته خودش متخصص است او در چندین علم که پایه اجتهاد و فقاهت است یعنی صرف ، نحو ، لغت ، کلام ، منطق ، تفسیر رجال ؛ درایه ، حدیث متخصص است . شما یک کتاب کم حجم و کوچکی بنام رساله عملیه می‌بینید و شاید ندانید که این رساله ، نتیجه عمر یک نفر فقیه است که با زحمتهای طاقت فرسا و خون دلها تهیه شده و در دسترس مردم گذارده شده است .

اجتهاد کار آسانی نیست اجتهاد یعنی اطلاع بر کلیه قوانین الهی که در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی دخالت مستقیم دارد .

شیخ مرتضی انصاری که یکی از مجتهدین عالم مقام و از مفاخر مکتب اسلام است و راه پر نشیب و فراز اجتهاد را پیموده است در فرآیند میکوید و وقتناله للاجتهاد الذی و اشد من طول الجهاد .  
یعنی : خدا بمانا توفیق اجتهاد دهد ، اجتهاد یکبار از جهاد مداوم سنگین تر و پر زحمت تر است

## دیون آیه الله فقید

ذکر این نکته هم ، به تناسب شرح حالات آیه الله العظمی آقایی بروجردی در این شماره ، لازم بنظر میرسد که در باره موجودی بیت المال آیه الله فقید و دیون ایشان مطالبی درجراگد منتشر شده که غالباً عاری از حقیقت بوده است ، لذا بسیاری میل دارند اطلاعات

صحیح و دقیق در این باره بدست آورند و سؤالاتی در این باره میکنند که پاسخ صحیح و دقیق آنرا ذیلا از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

قبل از شرح این موضوع توجه بیک نکته لازم است که مراجع بزرگ دینی ما ، با آنهمه توجه و علاقهای که مردم نسبت بآنها دارند و پولهای زیادی که بنا بر این مختلف شرعی بخدمت ایشان تقدیم میدارند غالباً هنگامیکه از دنیا میروند مقروض و مدیون هستند و دیون آنها را باید مراجع بعد بپردازند ، چنانکه در حالات آیه‌الله فقید هم اشاره شده که دیون عده‌ای از مراجع دینی قبل از خود را پرداختند ، و این خود نمودار روشنی از امانت و پاک‌ویی نظیری مراجع بزرگ روحانی است و بخوبی ثابت میکند که هدف آنها همواره خدمت بحوزه‌های روحانیت و رفع نیازمندیهای مسلمانان و حل مشکلات آنهاست ، و اگر پولهای زیادی هم بدست آنها برسد همه در اینگونه راهها مصرف میشود و نه تنها از خود اموالی بیادگار نمیگذارند بلکه غالباً مقروض از جهان میروند .

در حال طبق اطلاعات صحیح و دقیقی که بدست ما رسیده ، موجودی بیت‌المال ایشان هنگام رحلت حدود سیصد و چهل هزار تومان بوده که در باره تمام این مبلغ وصیت فرموده‌اند تقریباً نیمی از این مبلغ مصارف خاصی دارد که وصیت فرموده‌اند عیناً در آن مصارف که شرعاً لازم بوده در آنها مصرف شود صرف کنند ؛ و باقیمانده آن هم طبق وصیت باید در مقابل بدهیهای ایشان پرداخته شود ، فقط در حدود چهار هزار تومان آن از درآمد املاک شخصی ایشان بوده که مخارج روزانه منزل را بطور اقتصاد از آن بر میداشتند ، بنا بر این مجموع مبلغ موجودی آن فقید سعید قابل پرداخت در وجه بدهیهای ایشان نیست و فقط قریب نیمی از آن را میتوان در این راه صرف کرد .

اما بدهیهای ایشان اعم از قروضی که بوکلاه خود در نجف اشرف و سایر شهر - تانها داشته‌اند بضمیمه سایر دیونی که مربوط بمسجد اعظم و غیر آنست قریب ششصد هزار تومان میشود که موجودی بیت‌المال فقط میتواند قسمت کمی از این مبلغ را تامین کند و بقیه باید بوسیله آقایان مراجع و آیه‌الله زاده‌ها تامین و پرداخته شود .

در ضمن این نکته نیز روشن شد که شایعاتی که در پاره‌ای از جرائد راجع بتامین بودجه شهریه طلاب برای مدت دو ماه یا بیشتر ، از موجودی بیت‌المال آیه‌الله فقید منتشر گردیده بکلی بی‌اساس و عاری از حقیقت است زیرا نه تنها شهریه طلاب علوم دینی ابدأ از این راه پرداخته نشده ، بلکه موجودی بیت‌المال کفایت برای پرداخت دیون آیه‌الله فقید هم نمی‌کند .